

بررسی اصول باغشهر هاوارد و مقایسه آن با باغشهر صفوی*

Howard's and Safavid's Garden Cities' Principles (A Comparative Study)

مهدی حقیقت‌بین^۱، مجتبی انصاری^۲، شیرین ذبیحیان^۳

چکیده

ایده باغشهر^۱ در شهرسازی غرب به عنوان ایده‌ای مهم در خلق مجتمع‌های پایدار و برای ارتباط بیشتر با محیط اطراف، در قرن نوزدهم ظهور کرد و با تحقیق هاوارد به منظور ایجاد تعادل میان زندگی شهر و روستا، در ادبیات شهرسازی آن زمان مطرح شد. این درحالی است که در مشرق زمین، ایده باغشهر، در برگیرنده مفهومی فرا مادی است و به عنوان ایده‌ای ناب برای ایجاد بهشت زمینی، از قرن شانزدهم مطرح بوده است. در این نوشتار ابتدا خاستگاه شکل‌گیری باغشهر صفوی به لحاظ فرهنگی، فلسفی و عرفان شیعی و نیز از دیدگاه مسایل سیاسی و حکومتی بررسی شده و در مرحله بعد خاستگاه باغشهر هاوارد که ریشه در اتوپیا و آرمانشهر مطرح در آن دوران و عقاید آن زمان دارد مطالعه شده است. در ادامه اصول طراحی باغشهر هاوارد و صفوی مقایسه شده و سپس خاستگاه‌های معنوی مؤثر در شکل‌گیری این دو باغشهر، به عنوان عاملی مؤثر بطور خاص بررسی شده‌اند. در نتیجه‌گیری، از مقایسه باغشهر هاوارد با باغشهر صفوی، آشکار می‌شود که نوع جهان‌بینی و دیدگاه سازندگان در خلق ایده باغشهر و چگونگی تبلور آن در عصر صفوی و قرن نوزدهم نقش به‌سزایی داشته است. علاوه بر این نحوه استفاده از نظم گیاه و همچنین کیفیت ارتباطات اجتماعی و همسانی‌های اقتصادی از عمده‌ترین تفاوت‌های دو باغشهر مزبور می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: آرمانشهر، باغشهر، هاوارد، اصفهان، عهد صفویه

* بخش‌هایی از این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مطالعه و تدوین ضوابط و معیارهای طراحی و بهسازی خیابان‌های شاخص شهری مطابق با الگوی خیابان(چهارباغ)سازی ایرانی» می‌باشد که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است.

Email: Haghghatbin@modares.ac.ir

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران-نویسنده مسئول

Email: Ansari_m@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

Email: shirin.zabiheian@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران

۱. خاستگاه شکل‌گیری باغشهر در عصر صفوی

و باغشهر هاوارد

۱-۱. باغشهر صفوی

خاستگاه شکل‌گیری باغشهرها در عصر صفوی را باید از دو منظر معنا و کالبد بررسی کرد. از منظر معنا، در عصر صفوی، خاستگاه شکل‌گیری مفهوم و ایده باغشهر را باید در فرهنگ، فلسفه و عرفان شیعی و بخصوص ظهور مکتب اصفهان در هنرها؛ و از نظر مادی نیازهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جست. از این‌رو در ادامه به بررسی ارکان موثر در شکل‌گیری باغشهرهای ایرانی- اسلامی در عصر صفویه (با تاکید بر شهر اصفهان) می‌پردازیم.

الف. تحول و توسعه از پیش طراحی شده فرهنگی

ظهور مفاهیم مادی و معنوی جدید در معماری و شهرسازی بومی یک جامعه بدون زمینه‌سازی فرهنگی و خواست مردم به عنوان سازندگان و استفاده‌کنندگان از شهر امری بعید به نظر می‌رسد. توسعه فرهنگی در عصر صفویه با اعتقاد به باورهای مذهبی و معنوی (دستاورد های بارز ادبیات، اخلاق، تعلیم و تربیت، فلسفه، عرفان و هنر و ...) و همچنین توسعه فرهنگ مادی (علم، صنعت، تولید، تبدلات تجاری و...) در اجتماع پایتخت (صفوی) که از مردمان و طوایف مختلف شکل می‌گرفت، حاصل موفقیت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی- اقتصادی مسئولان (دوست‌نانی ۱۳۸۵، ص ۳۸۵) در غالب حکومت مرکزی قدرتمند و اتحاد مردم تحت لوای مذهب شیعه بوده است.

ب. شکوفایی حیات عقلی شیعی

فکر و تعقل در مبانی تفکر شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد که متأثر از نگاه ویژه قرآن به عقل و تعقل است. کلمه عقل و مشتقات آن در قرآن ۴۹ بار استفاده شده است که چهار صیغه عقلوه (یکبار)، یعقلون (۳۲ بار)، تعقل (یک بار) و تعقلون (۲۴ بار) را شامل می‌شود.

شیعه، در دوره صفویه با حاکمیت شاهان صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع از وضعیت سابق رهایی یافته و از یک اقلیت به اکثریت تبدیل شد. تشکیل دولت نیرومند شیعی صفوی، پایگاه و پناهگاه مستحکمی بود که موجبات مهاجرت علمای شیعه خارج از قلمرو این دولت را فراهم می‌ساخت. ورود علمای مذهب تشیع به ایران و تجمع آنها در مرکز قدرت صفوی (شهر اصفهان) و برخورد آنها با روحانیت داخل مملکت، مسایل جدیدی در قلمرو اندیشه‌های سیاسی و

مذهبی پدیدار می‌ساخت (شیخ‌نوری، ۱۳۸۹، ص ۹) و زمینه‌های رشد حیات عقلی شیعی را فراهم نمود.

شکوفایی حیات عقلی شیعی (در عصر صفوی) به همراه امنیت، باعث رشد هنر اسلامی- ایرانی در همه زمینه‌ها از جمله معماری و شهرسازی شد. در واقع این دوره «یکی از خلاق‌ترین ادوار هنر اسلامی و نیز فلسفه و متافیزیک اسلامی است» (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۶). در شهرسازی نیز ایده باغشهر به عنوان مدلی جهت توسعه شهر مطابق با جهان‌بینی شیعی و با تکیه بر مفاهیم عرفانی از سویی و تکیه بر تعبیر و تفاسیر شریعت از نظرگاه مذهب شیعه شکل می‌گیرد. شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان و به واقع بهشت روی زمین- جایگاهی در خور انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین- ترسیم می‌شود.

ج. دیدگاه‌های عملکردی، سیاسی و حکومتی

صفویان

می‌توان از دید عملکردی، سیاسی و حکومتی آن عصر (از منظر مادی) خاستگاه شکل‌گیری باغشهر را بررسی کرد. استقرار دائم و سریع و ایجاد هویت ویژه کالبدی و فضایی برای پایتخت امپراطوری صفوی، در واقع اهدافی سیاسی و حکومتی است که صفویان در استفاده از ایده باغشهر دنبال می‌کرده‌اند. «مفاهیم فضا، قلمرو و نظام تئوریک حکومت صفوی، در قالب ترکیب شهر با باغهای سلطنتی و معماری جمع شده و نمود یافته و بنابراین شکل باغ کلاسیک ایرانی به منزله ترجیح بندی در انتخاب پایتخت شاه عباس و نمای بخش جدید شهر است» (والجر، ص ۱۳۸۵، ۶۸۳).

د. باغشهرهای تیموری

چنین به نظر می‌رسد که باغشهرهای تیموری^۲ (هرات و سمرقند) نیز در طرح باغشهرهای صفوی مؤثر بوده است. یک قرن پس از سقوط تیموریان شاه عباس دستور بازسازی اصفهان را با ساخت محلاتی در خارج شهر اصلی (مطابق با شیوه تیموریان در هرات و سمرقند) صادر کرد. شاه عباس در سال ۹۷۸ ه.ق در هرات به دنیا آمد و دوران کودکی خود را تا شروع سلطنت (۱۸ سالگی) در هرات به سر برد.

به احتمال زیاد شهر هرات که مشتمل بر باغهای بسیار بود در شکل‌گیری تفکر او از شهر ایده‌آل نقش اساسی داشته است. وی احتمالاً هنگامیکه دستور توسعه شهر اصفهان و احداث خیابان چهارباغ با استفاده از الگوی باغ ایرانی را داد، باغشهر هرات را به عنوان الگوی ابتدایی در ذهن داشته است. (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۲۰)

۲-۱. باغشهر هاوارد

از آغاز قرن نوزدهم صحبت‌هایی پیرامون مسایل شهرهای بزرگ و به طور ویژه شهر بزرگ لندن مطرح شد. این مساله با نوشته‌های دراماتیک چارلز دیکنز و شرح زیبایی‌های شهرهای قرون وسطی و همینطور تلاش‌های ویلیام موریس و جنبش هنر و پیشه به سمت صنعت روستایی^۳ صنایع اولیه خانگی که بیشتر به صورت خانوادگی و پاره‌وقت انجام می‌شده و شامل دوزندگی، توری بافی و... بوده‌اند) و اصلاح کارهای صنعتی، پیش رفت. (Panerai, 2004, p31.32)

مبنای جنبش باغشهر که توسط هاوارد آغاز شد، دو مسئله‌ای است که هر یک به دیگری وابسته‌اند، یکی از این سرچشمه‌ها، "مداین فاصله" نیمه اول قرن نوزدهم و به خصوص عقاید "آون" است که به نظر او اجتماعی کامل و بدون نقص به شمار می‌رفتند و ترکیبی از شهر و روستا بودند. مبنای دیگر این جنبش، ایده خانه‌های تک خانواری در فضای سبز بود که می‌توان آنرا صورتی از همان ایده آل پیشین "اوتوپیا" دانست که در فرهنگ "ویکتورین"، متعلق به اوایل نیمه اول قرن نوزدهم است (بنه‌ولو، ۱۳۸۶، صص ۵۵۶ و ۵۵۷). در واقع این ترکیب، همان ایده آلی است که پیش از این هم در عقاید راسکین دیده می‌شود.

۲. معرفی باغشهر هاوارد و باغشهر صفوی

۲-۱. باغشهر اصفهان

طرح از پیش فکرشده توسعه اصفهان در زمان شاه عباس اول بر مبنای ساختاری تلفیقی و مرکب از دو عنصر رودخانه زاینده‌رود (به منزله عنصر طبیعی موجود) و محور چهارباغ (به منزله عامل انسان‌ساز) شکل گرفته است. این دو عنصر در تطابق کامل با الگوی باغ ایرانی و بصورت عمود بر هم، استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان را تشکیل می‌دهند و به عنوان تجربه‌ای شاخص در تاریخ معماری و شهرسازی، تاکنون بر جای مانده است (نقشه ۱).

استفاده از الگوی باغ ایرانی در شهر اصفهان عصر صفوی در راستای تعریف هویتی جدید برای شهر، باغشهر (باغی در مقیاس شهر) بوده است. از این‌رو در باغشهر اصفهان نظم گیاه، زمین و آب، همانند آنچه در باغسازی ایرانی دیده میشود، در دو سطح انسان‌ساخت و «طبیعی- موجود» و در دو مقیاس کلان (کل شهر) و خرد (باغ‌ها به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده بافت جدید شهر) به کار گرفته شده‌اند

(حقیقت‌بین، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸). از مهمترین ویژگی‌های باغشهر اصفهان، طرح عناصر سازنده ساختار کالبدی و فضایی آن مطابق با ویژگی‌های طبیعی و محیطی پیرامون، جهت دستیابی به ماندگاری و استفاده از بهترین شرایط اقلیمی، بوده است. (حقیقت‌بین، ۱۳۸۹، صص ۱۳۴-۱۲۸).

باغشهر اصفهان در عصر صفویه بنا بر نوشته‌های «پیترو دل‌واله»^۴ سیاح زمان شاه عباس اول، بوسیله تقاطع عناصر اصلی نظام‌دهنده شهر (مطابق با مدل باغ ایرانی: رودخانه و محور چهارباغ) در عین پیوستگی به چهاربخش اصلی تقسیم می‌شده که گروه‌های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش‌های مجزا جای می‌داده است:

بخش اول، شهر قدیم اصفهان و توسعه آن به دست شاه عباس تا دروازه حسن آباد در جنوب شرقی؛ بخش دوم شهر جدید صفوی، محله تبریز نو یا عباس آباد در غرب شهر قدیم؛ بخش سوم، محله جلفا (ارمنی نشین) در جنوب غربی و بخش چهارم، گبر آباد در جنوب شرقی. احداث محور شمالی- جنوبی چهارباغ از دروازه دولت تا باغ هزارجریب در دامنه کوه صفه، عاملی در جهت پیوند و اتصال بخش‌های چهارگانه شهر (نقشه ۲) است (دل‌واله، ۱۳۸۰، صص ۳۵، ۳۶، ۴۹).

۲-۲. باغشهر هاوارد

ابنزر هاوارد (۱۸۵۰-۱۹۲۸) خالق باغشهرها و از هواداران جنبش سوسیالیست انگلیس، تحت تاثیر دو کتاب "ترقی و فقر"^۵ هانری جرج^۶ و "نگاه به گذشته"^۷ ا. بلامی^۸، کتاب معروف خود تحت عنوان "فردا راهی صلح‌آمیز به سوی اصلاح اجتماعی"^۹ را در سال ۱۸۹۸ منتشر؛ و در سالهای ۱۹۰۴، ۱۹۰۹ و ۱۹۱۹ روند تکاملی خود را طی کرد. در ۱۹۰۴، لچ ورث^{۱۰} (نقشه ۳) -اولین باغشهر بر اساس مدل توسعه اقتصادی هاوارد- و در ۱۹۰۹، همپستد^{۱۱} -اولین حومه باغشهر بر اساس ایده‌های طراحی ریموند آنونین^{۱۲}- ساخته شد. در ۱۹۱۹ ولوین^{۱۳}، اولین باغشهری است (نقشه ۴) که بر اساس ترکیبی از ایده‌های نظری هاوارد و شیوه‌های تجربی آنونین ساخته شد.

در طول قرن بیستم دغدغه تلفیق فضاهای باز با زمین‌های مسکونی مورد تامل جدی قرار گرفت. جنبش باغشهر به دنبال ایجاد فعالیت‌های تفریحی تاثیرگذار در فضاهای باز عمومی بود. این فضاهای باز همچنین برای ارتقا کیفیت زندگی کارگران کارخانه‌ها در نظر گرفته شده بودند. (Woolley, 2005, p77) در طرح باغشهر هاوارد،

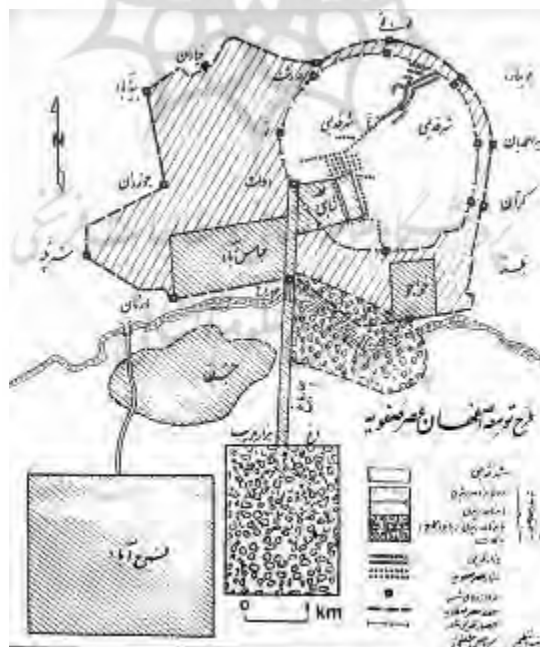
باغشهر آلمانی گسلسافت^{۱۴} و در بارسلونا در سال ۱۹۱۲، جامعه شهری باغشهر^{۱۵} رخ دادند و همچنین در فنلاند در حدود سال ۱۹۱۰ حومه باغشهر کالوسری و مانکییمی^{۱۶} ساخته شدند. این ایده بعدها در فنلاند گسترش پیدا کرد و ایده "شهرهای جنگلی" مثل تاپیولا در شهر اسپو در اواخر دهه ۱۹۵۰ ساخته شد. (Konijnendijk, 2005, p44)

هدف عبارتست از بالا بردن شاخص سلامتی و راحتی همه کارگران واقعی، در هر سطحی که قرار داشته باشند. ترکیبی سالم، طبیعی و اقتصادی از زندگی شهری و روستایی است که بر روی یک قطعه زمین متعلق به شهرداری شکل می‌گیرد. (شوای، ۱۳۸۶، ص ۲۷۷)

جنبش‌های مشابهی مانند جنبش باغشهر هاوارد در کشورهای دیگر نیز اتفاق افتادند. در سال ۱۹۰۲ در آلمان،



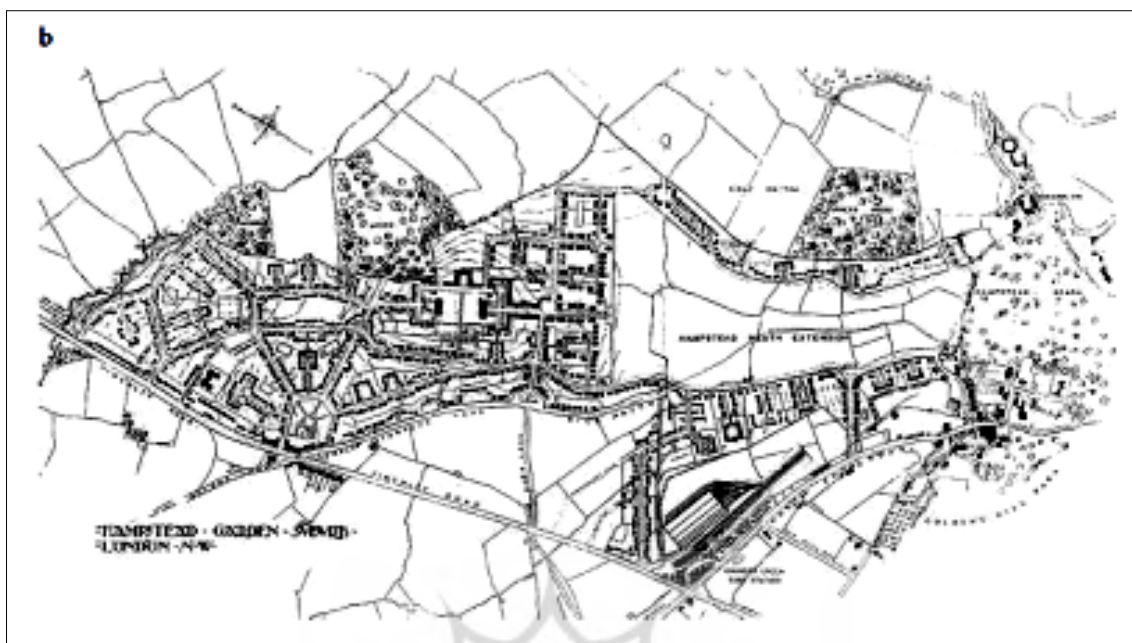
نقشه ۱: باغشهر اصفهان (منبع: نکارندگان)



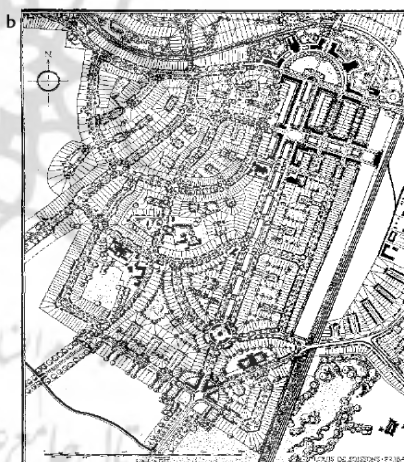
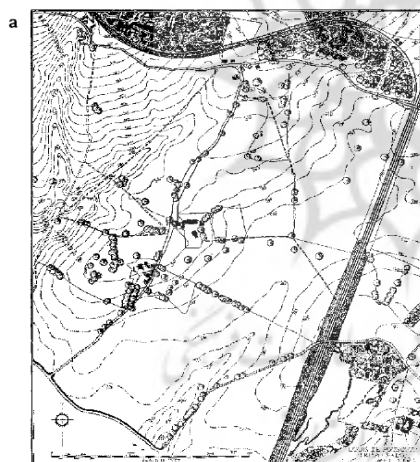
نقشه ۲: شهر قدیمی و محلات جدید در طرح توسعه اصفهان عصر صفویه (منبع: شفق، ۱۳۸۱).

باغشهر که تقریباً در مرکز زمین ۲۴۰۰ هکتاری ساخته می‌شود، مساحتی حدود ۴۰۰ هکتار را اشغال می‌کند. در مرکز آن باغی در حدود دو هکتار ساخته شده و در پیرامون این باغ، بزرگترین ساختمان‌های عمومی واقع می‌شوند. شش بلوار زیبا از مرکز تا محیط کشیده شده و آن را به شش محله تقسیم می‌کنند.

۲-۱. باغشهرهای ساخته شده براساس ایده هاوارد



نقشه ۳: پلان ۱۹۰۹ لچ ورث- طراحی شده توسط آنوین



نقشه ۴



نقشه باغشهر ولوین

a. سایت اولیه در تقاطع با خط راه آهنی است که در سمت شرقی قرار دارد، به همراه عوارض و درختانی که در غرب واقع هستند و مسیری که به سمت شمال کشیده شده و دو مزرعه را به یکدیگر متصل می کند.

b. ترکیبی عالی و هنرمندانه، که توسط توالی دروازه شهر / نقاط شاخص / پارکوی / مرکز به ایستگاه راه آهن در شرق متصل می شود. این نقشه بر اساس ایده های آنوین، طرحی خوش منظره را نشان می دهد.

c. پلان اجرا شده در سال ۱۹۲۴ که ناتوانی آن در حل مساله ارتباط با مرکز، از همان ابتدای ساخت مشخص بود و انحراف محور اصلی، موجب ایفا نکردن نقش ساختاری که برای آن در طرح اولیه دیده شده بود، گردید.

۳. نقاط قوت و ضعف ایده باغشهر هاوارد (جدول ۱)

نقاط ضعف	نقاط قوت	حوزه مورد ارزیابی
<p>لو کوربوزیه^{۱۸}: وی معتقد است که گسترش و رشد شهرها بر مبنای الگوی انگلیسی باغشهر موجب اتلاف وقت ساکنان و همچنین هدر رفتن زمین‌ها می‌شود و عقیده دارد که این گونه شهرها نوعی روحیه ضد اجتماعی برای ساکنینشان ایجاد می‌کنند.</p> <p>ادوارد کارتر: اعتماد بیش از حد آنها به موضوع توسعه آزاد، موجب توسعه روز افزون حومه‌ها گردیده که به عنوان یک استاندارد پذیرفته شد و در گسترش‌های عاری از هویت شهری سهیم بود.</p>	<p>لوئیس مامفرد^{۱۷}: در آغاز قرن بیستم دو ابداع مهم به وقوع پیوست: هواپیما و باغشهر. این هردو طلایه‌داران عصری جدید بودند؛ اولی بشر را قادر به پرواز بر فراز زمین می‌ساخت و دومی مکان زیست نیکوتری را روی زمین به او وعده می‌داد.</p>	<p>کیفیت کالبدی و فضایی</p>
<p>زیکفرد کیدون^{۲۰}: این نظریه هیچ راه حلی برای مشکل اصلی زمانه ارائه نمی‌دهد. یک راه حل موضعی، چاره کار شهرسازی نیست، بلکه تنها یک برنامه‌ریزی کامل در مقیاسی که تمامی ساختارهای زندگی جدید را در همه ابعادش در برگیرد قادر خواهد بود که امور مهمی را که هاوارد در ذهن خود داشت به انجام برساند.</p>	<p>لوید رادوین^{۱۹}: صرف نظر از آنچه که در آینده پیش آید باید اذعان کرد که در زمان حاضر، معدودی از نظریه‌ها بوده‌اند که در زمینه یک بحث دقیق‌تر و منطبق‌تر درباره متروپلیس، چنین قاطعانه، با عقاید جاری برخورد کرده باشند (اوستروفسکی، ۱۳۷۸، ص ۲۷).</p>	<p>میزان هماهنگی و اثرگذاری بر ساختارهای زندگی جدید شهری</p>
<p>جین جیکوبز^{۲۱}: گفته است که نظریه‌های طرفداران اصل تمرکز در شهرسازی مدرن که هاوارد القا کننده آن بود، در توسعه شهرهای بزرگ آمریکایی اثرات زیان‌بخشی داشته است، به این صورت که موجب تضعیف روابط اجتماعی بین ساکنان این شهرها شده و محلات شهری یکنواخت و بی‌روحی پدید آورده است.</p>	<p>پوردم^{۲۱}: کتاب کوچک باغشهر، تألیف هاوارد را یکی از مهمترین کتابهای قرن بیستم می‌خواند. چنین به نظر می‌رسد که باغشهر هاوارد به لحاظ فردی و زندگی فردی نسبت به شهرهای آن زمان ریحان داشته است.</p>	<p>سرزندگی و کیفیت روابط اجتماعی</p>
<p>ادوارد کارتر: هاوارد و پیروانش... لطمه‌های شدید به موضوع بازسازی مراکز شهرهای قدیمی زده‌اند، زیرا با تأکید بر مسأله ساختن باغشهرها اذهان را از توجه به موضوع اصلاح بافت مرکزی شهرها منحرف کرده‌اند.</p> <p>تمرکز باغشهر هاوارد به ایجاد مراکز مستقل شهری فارغ از ارتباطات کلان این مراکز با مرکز شهر بوده است.</p>	<p>حفاظت از هسته تاریخی شهر در برابر تغییر شکل، گسترش و توسعه بی‌رویه بوسیله ایجاد مراکز مستقل شهری.</p>	<p>ارتباط با هسته تاریخی</p>
	<p>ترجیح به دسترسی پیاده در طراحی موجب شده است باغشهر هاوارد کاملاً در ارتباط با طبیعت اطراف خود تعریف شود.</p>	<p>بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی و مصنوعی موجود</p>

۴. نقاط قوت و ضعف باغشهر اصفهان در عهد صفوی- ویژگی های کالبدی، فضایی و اجتماعی (جدول ۲).

حوزه مورد ارزیابی		توضیحات
کیفیت کالبدی و فضایی	نقاط قوت	شهر، تمثیل و تصویری از بهشت: شهر به صورت تصویری از بهشت جاویدان و به واقع بهشت روی زمین- جایگاهی درخور انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین- ترسیم می‌شود. «همه و همه بکار گرفته می شود تا انسان این مرکز هستی صغیر با مرکز هستی کبیر در ارتباط واقع شود و عالم صغیر و کبیر را انعکاسی از هم ببیند» (حبیبی، ۱۳۷۷، ص ۴۹).
	نقاط ضعف	اختصاص تملک بخش وسیعی از شهر جدید به فعالیت‌های حکومتی یا افراد وابسته به حکومت: عمده عملکردهای موجود در بخش‌های جدید شهر به باغ‌ها و کاخ‌هایی اختصاص داشته که مستقیم یا غیرمستقیم به حکومت و یا افراد وابسته به آن تعلق داشته است. علی‌رغم اهمیت این موضوع در عصر صفویه، با تغییر حکومت، این بخش شهر یکباره خالی از جمعیت شده و به سرعت دچار آسیب شد.
سرزندگی و کیفیت روابط اجتماعی	نقاط قوت	روابط اجتماعی قوی و پایدار براساس کرامت انسانی، عزت و ارجحیت معنویت بر مادیت: زاینده‌رود و چهارباغ مرزهای اجتماعی و جمعیت‌شناختی حقیقی، در میان شهر کشیده و شهر را تقسیم می‌کرده‌اند. بنا بر نوشته‌های «پیتر دلاواله» سیاح زمان شاه عباس اول، شهر بوسیله تقاطع عناصر اصلی در عین پیوستگی به چهاربخش اصلی تقسیم می‌شده که گروه‌های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش‌های مجزا جای می‌داده است. با این وجود، وحدت اجتماعی و همسانی‌های اجتماعی حفظ شده است. میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ اصلی‌ترین فضاهای باز شهر جدید بوده که از طریق بازار به میدان قدیم شهر سلجوقی متصل می‌شده‌اند. (نقشه ۱)
	نقاط ضعف	ارتباط مستقیم عمده فعالیت‌های جاذب جمعیت در بخش‌های توسعه یافته با حکومت: به غیر از باغ‌ها، درختان و رودخانه زاینده رود، مهمترین عاملی که در سرزندگی بخش‌های جدید شهر در عصر صفویه نقش داشته، عملکردها، مراسم تشریفاتی و جشن‌هایی بوده که بصورت مستقیم یا غیرمستقیم به حکومت مربوط بوده و با سقوط حکومت صفویه از بین رفته‌اند.
ارتباط با هسته تاریخی		تعامل و ارتباط شهر جدید (بخش توسعه یافته) با هسته تاریخی: شهر جدید در کنار شهر کهن و بدون تقابل با آن، بلکه در تعامل با آن شکل می‌گیرد. «بخش‌های قدیمی شهر حفظ شده‌اند. شریان‌های اصلی ارتباطی به بخش‌های قدیمی تأمین داده شده و در این بخش‌ها تکمیل شده‌اند و از بعضی ظرفیت‌ها و امکانات شهر قدیم (بازار، میدان عتیق، مسجد جامع و شبکه مادی‌ها) در جهت توسعه شهر جدید و برآورده نمودن بعضی نیازهای اجتماعی و اقتصادی بهره گرفته شده است» (حقیقت‌بین، ۱۳۸۹، ص ۲۹۳).
بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی موجود		استفاده از پتانسیل‌های طبیعی موجود در راستای تقویت سرزندگی و ایجاد هویت ویژه برای منظر عینی و ذهنی شهر: در طراحی شهر جدید به عنوان بهترین و سریعترین شیوه (احداث اقامتگاه‌ها و باغ‌های برون‌شهری)، بدون ایجاد خرابی و آسیب به شهر قدیم- شهر سلجوقی- و در توافق کامل با طبیعت اطراف، شهر جدید را به عنوان اولین باغشهر از پیش طراحی شده، براساس مدل باغ ایرانی و متأثر از نظام آب، خاک و گیاه طرح کرده‌اند. نفوذ طبیعت به داخل شهر و استفاده از عناصر سبز و آب به عنوان اصلی‌ترین اجزا سازنده منظر شهری، تطابق شکل شهر با مدل باغ ایرانی و نظم هندسی، از مهمترین ویژگی‌های شهر جدید صفوی است که در راستای اعتقاد صفویان به مفهوم شهر تمثیلی از بهشت، جایگاهی درخور انسان به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین، استفاده شده‌اند (حقیقت‌بین، ۱۳۸۹، ص ۲۴۲).

۵. مقایسه ویژگی‌های کالبدی، فضایی و اجتماعی باغشهر صفوی و هاوارد

جداول فوق (جدول ۱ و ۲) گویای این مهم می‌باشد که بسیاری از ایرادات مطرح درباره باغشهر هاوارد به بهترین نحو در باغشهر صفوی (اصفهان) پوشش داده شده است. چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه‌ها و باورهای فرامادی و مذهبی صفویان نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی باغشهرهای صفوی، مطابق با نیازهای انسانی، احترام به انسان و تطابق با شرایط طبیعی و استفاده از پتانسیل‌های طبیعی مکان داشته است. اعتقاد به این مهم که انسان جانشین خداوند بر روی زمین است و توصیف قرآن از بهشت به صورت باغی وسیع و استفاده از پتانسیل‌های طبیعی، مهمترین دلایلی است که موجب گردیده صفویان از مدل باغشهر در توسعه شهر اصفهان استفاده نمایند. احترام به برابری انسان‌ها، احترام به پیروان ادیان صاحب کتاب آسمانی و خلق فضاهای جمعی مناسب (میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ) مؤثرترین عوامل در تقویت روابط اجتماعی در باغشهر صفوی به حساب می‌آیند. چنین به نظر می‌رسد که اعتقاد صفویان به سرزندگی کل شهر، جلوگیری از گسترش فرا انسانی شهر و استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی (بازار) و اجتماعی (میدان عتیق و مسجد جامع) هسته قدیمی (سلجوقی) شهر مهمترین عوامل توجه آنها به هسته تاریخی شهر بوده است. لیکن اختصاص مالکیت بخش عمده‌ای از بخش‌های جدید شهر به پادشاه، سران حکومتی و افراد وابسته موجب شده با تغییر حکومت این بخش‌ها خالی از سکنه گردیده و بسیاری از بناها و باغ‌های آن نابود شوند. علاوه بر این ارتباط مستقیم سرزندگی و حضور مردم عامه در بخش‌های جدید شهر با جشن‌ها، مراسم و مکان‌های حکومتی دلیل دیگری است که این بخش‌ها با تغییر پایتخت و حکومت کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

چنین به نظر می‌رسد در باور صفویان شهر مکانی است جهت تجسم یافتن آرمان‌ها و عقاید؛ محلی است جهت حضور و تجلی سمبلهایی (بازار، ایوان، باغ، محور، میدان و...) که نماینده قدرت دولت حاکمه و هویت‌دهنده به شهر بوده‌اند. حفظ و پایداری این سمبل‌ها که باغ‌ها و پوشش گیاهی از مهمترین آنها است دارای اهمیت ویژه بوده، از این‌رو صفویان، زیرساخت‌های لازم جهت پایداری باغ‌ها و پوشش گیاهی را فراهم نموده‌اند. دولت صفوی در توسعه شهر و ایجاد شهر جدید با شناسایی کامل محل، از عوامل طبیعی و مصنوعی بالقوه محلی، که مهمترین آنها زاینده‌رود و مادی‌های منشعب از آن بوده بهره برده و شهر جدید را در

توافق کامل با محیط طبیعی و رودخانه قرار داده است. لذا آب لازم جهت باغ‌ها و درختان در کل شهر فراهم می‌گردد که پایداری (ماندگاری) منظر و هویت جدید شهر یعنی باغشهر را به دنبال داشته است. از این‌رو تا مدت‌ها پس از انقراض صفویان، باتوجه به عدم وجود مراقبت‌ها و حمایت‌های مالی و انسانی قبلی و تغییر کاربری بسیاری از باغ‌ها، درختان و پوشش گیاهی محلی در بخش‌های جدید شهر همچنان باقی مانده‌اند (نقشه ۵).

لیکن در ایده باغشهر هاوارد، درختان، پوشش گیاهی و باغ در مقیاس خرد و کلان، در درجه اول به عنوان جداکننده و سپس به عنوان منظره‌ساز استفاده شده‌اند و جنبه سمبلیک و نمادین آنها مدنظر نبوده است. آنچه در ایده هاوارد بیش از همه اهمیت داشته اقتصادی بودن و مدیریت مستقل باغشهر بوده است. چنان‌که در قوانین باغشهر طراحی شده توسط همپستد (که در زیر عنوان شده است) نیز این مهم مشهود است.

بعضی قوانین باغشهر همپستد (Panerai, 2004, p.35):

- مردم از همه سطوح اجتماعی و درآمدی و همچنین معلولان باید قادر به زندگی با یکدیگر باشند.
- خانه‌ها باید با تراکم متوسط ۲۰ خانه در هکتار ساخته شوند.
- خیابان‌ها باید ۱۳/۲ متر عرض داشته باشند و نمای خانه‌ها بایستی حداقل ۱۶/۵ متر از یکدیگر فاصله داشته باشند و این فاصله بوسیله باغ‌ها پرگردد.
- قطعات نباید بوسیله دیوارها از یکدیگر جدا شوند بلکه این عمل بایستی بوسیله پرچین‌ها، درختان یا حصارها انجام شود.
- در حاشیه تمامی خیابان‌ها بایستی درختانی کاشته شوند که رنگشان با پرچین‌ها و حصارها هماهنگ باشد.
- جنگل‌ها و باغ‌های عمومی بایستی برای تمامی ساکنینی که اجاره پرداخت می‌کنند مجانی باشد.
- تولید سر و صدا بایستی ممنوع شود.
- خانه‌ها بایستی به‌گونه‌ای طراحی شوند که دید و زیبایی یکدیگر را ضایع نکنند.

چنین به نظر می‌رسد که منظر ذهنی و عینی و همچنین سازماندهی کالبدی و فضایی باغشهر صفوی از زبانی واحد در طراحی پیروی می‌کنند که بر جنبه‌های مادی و معنوی خاصی تأکید دارند. این زبان نمادین علاوه بر تأکید بر تجسم شهر بصورت تمثیلی از بهشت جاویدان، بر نمایش شکوه و عظمت قدرت حاکم نیز تأکید دارد. در واقع منظرسازی و سازماندهی کالبدی و فضایی شهر به‌گونه‌ای انجام گرفته که در کمترین زمان ممکن شهر را آنگونه که درخور پایتخت امپراطوری صفوی است به نمایش گذارد. از این‌رو از باغها و آرایش گیاهان به عنوان اصلی‌ترین عناصر منظره‌سازی و

درختان، پرچین‌ها و باغ در ایده هاوارد، علاوه بر وظیفه جداکنندگی، عاملی جهت ایجاد وحدت، یکنواختی و پیوستگی در کل مجموعه فارغ از سطح درآمدی و اجتماعی ساکنین بوده است.

توسعه شهر استفاده شده است. این در حالی است که ایده باغشهر هاوارد با هدف تأمین فضا و امکان استفاده از امکانات رفاهی برای تمامی اقشار مردم شکل گرفت، هرچند به گفته صاحب‌نظران، در این راه چندان موفق نبوده است. در واقع



نقشه ۵: نقشه اصفهان مربوط به سال ۱۳۰۲ ه.ش (به اهتمام سیروس شفق)

۶. بررسی مفاهیم معنوی مؤثر در باغشهرهای صفوی هاوارد

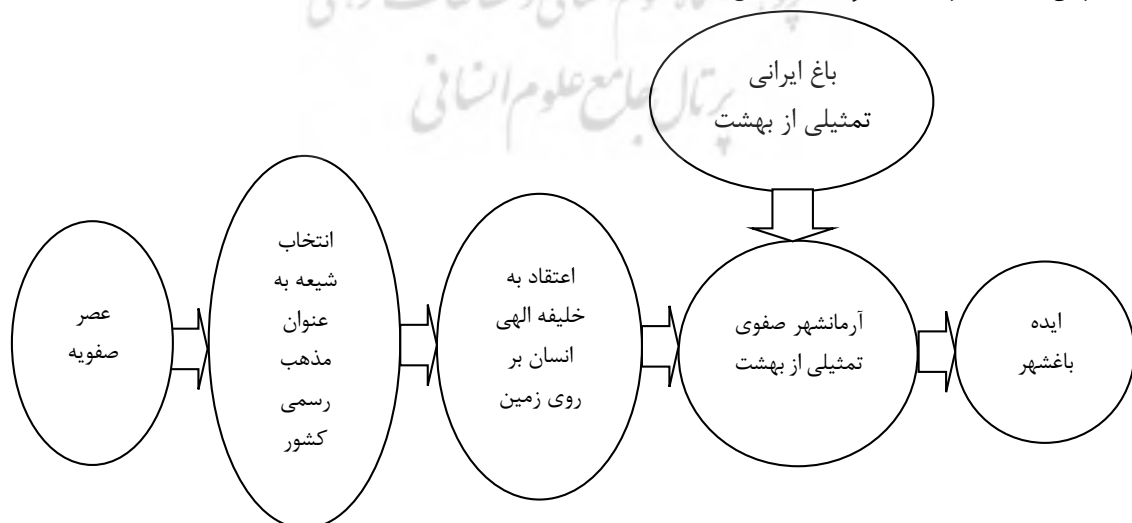
صورت‌بندی می‌کند. باغهای سلطنتی عهد صفوی و خود اصفهان همچون باغی در مقیاس یک شهر، انعکاس‌دهنده رابطه فرهنگی و مذهبی با طبیعت است. (والچر، ۱۳۸۵، ص ۶۸۱) به‌طور خلاصه، اصول معنایی مؤثر در شکل‌گیری ایده باغشهر در عصر صفوی در (نمودار ۱) آورده شده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که اصول شهرسازی غرب با آنچه در شرق و به خصوص شهرسازی سنتی و بومی ایران زمین مرسوم بوده متفاوت است. تقی‌زاده در پژوهشی معیارها و اصول معماری و شهرسازی بومی شهرهای تاریخی ایران را شامل «کمال‌جویی، اجتناب از اسراف، قناعت، رعایت اعتدال، اصلاح زمین، اجتناب از بطالت و بیهودگی در کاربری زمین، پیوستگی و انسجام و آینده‌نگری در فضاهای شهری» معرفی کرده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۱، صص ۴۲-۴۹). در واقع ویژگی‌های محیط طبیعی و ایدئولوژی حاکم از جمله اعتقادات مذهبی در شکل‌گیری ساخت، بافت و سیمای شهری نقش به‌سزایی داشته است. به عبارت دیگر اصول به کار رفته در شهرسازی مشرق زمین علاوه بر اهمیت دادن به جنبه‌های مادی و انسانی، ریشه در مکاتب الهی و باورهای

شهر در مکتب شهرسازی اصفهان مکانی بوده که در عین واقعیت و عینیت، از حقیقت و ذهنیتی نشان داشته که در ورای چهره ظاهری آن رخ پنهان کرده بوده است. شهر ایرانی شهری شد مملو از زندگی، پر از خاطره و سرشار از واقعه و حادثه. این شهر ساخته شد با کالبدی زیبا و کلیتی آهنگین که هم حامل پیامی باشد از سرزمین خیال به سرزمین خرد، هم رابطی باشد بین وجود و موجود، هم عاملی در گذر از مستور به مکشوف (حبیبی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۲). ایده باغشهر در شهرسازی عصر صفوی به‌عنوان تصویری از بهشت جاویدان وارد می‌شود. نفوذ طبیعت به داخل شهر و استفاده از عناصر سبز و آب به‌عنوان اصلی‌ترین اجزا سازنده منظر شهری، تطابق شکل شهر با مدل باغ ایرانی و نظم هندسی، از مهمترین ویژگی‌های باغشهرهای صفوی هستند که در راستای اعتقاد صفویان به مفهوم شهر تمثیلی از بهشت، جایگاهی درخور انسان به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین، استفاده شده‌اند (نقشه ۱). در واقع ترکیب شهر اصفهان باغی را با نماد ضمنی چهارگوشه جهان (فضای استعاری قلمرو پادشاه) در خود

مذهبی سازندگان داشته و ایشان به دنبال نمایش و تجسم عالم ماورا و بالا و شکل دادن طرح‌های خویش بر اساس باورهای مذهبی خود بوده‌اند.

اما در غرب، به‌خصوص از عصر رنسانس به بعد و ظهور اومانیزم، شاهد بروز مفاهیم انسانی، دنیوی و کاملاً مترالیستی در هنر و معماری و پیامد آن شهرسازی هستیم. البته چنان که قبلاً نیز اشاره شد، در اندیشه‌های پیش شهرسازی قرن نوزدهم شاهد ظهور گرایش‌های نوگرایی، طبیعت‌گرایی، فرهنگ‌گرایی و نظایر آن می‌باشیم. دیدگاه فرهنگ‌گرایانه متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم همچون راسکین، موریس، کامیلوسیت، اوژن یوله و ... تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و بومی را به عنوان مبنای دخل و تصرف می‌دانند (شوای، ۱۳۸۶، صص ۲۰-۱۸). باغشهر هاوارد نیز به عنوان جنبشی پیش‌شهرسازی، فرهنگ‌گرا شناخته می‌شود و از کتاب شهرسازی سیت‌الهام گرفته است که در آن به مسایل زیبایی‌شناسی بسیار تأکید شده است. همچنین این جنبش به دنبال ارائه راه‌حلی است که خصیصه‌های انسانی در آنها رعایت شده و اهدافی چون ارتقا شاخص سلامتی و راحتی برای تمام گروه‌های درآمدی در آن مدنظر قرار گرفته باشد. آنچه در این جنبش مطرح است، نیازهای جسمانی انسان و زندگی روزمره است. اگرچه جنبش باغشهر هاوارد، فرهنگ‌گرایانه است اما نوعی بازتاب ترقی‌گرایانه نیز در نزد هاوارد قابل لمس است؛ دل‌پوسی بهداشت و پیشرفت، از این قبیل هستند که برای او، همیشه با انگاره‌های مجتمع‌های محدود در فضا همراه شده، و روحیه‌ای محله‌ای و اشتراکی را نشان گر است. (شوای، ۱۳۸۶، صص ۲۷۶)

البته در مقایسه بین باغشهر هاوارد و صفوی باید عامل زمان را نیز در نظر بگیریم، در زمانی که جنبش باغشهر هاوارد مطرح می‌شود، بواسطه انقلاب صنعتی تغییرات عمده‌ای در روش زندگی مردم حاصل شده است، خواست و احتیاج زمانه به طور محسوسی کمبود مسکن و فضاهای شهری جدید را روشن می‌کند. از طرفی تامین نیازهای اولیه زندگی شهری از قبیل تامین آب پاک و بهداشت پایه و همچنین فضای سبز و طبیعت و جاذبه‌های زندگی روستایی در کنار جذابیت‌های شهر مطرح است. در چنین شرایطی است که اتوپیای مطرح در آن دوران نیز به‌صورت زندگی در یک محیط فیزیکی مطبوع و آرامش‌بخش با فضای سبز مطرح می‌شود؛ لیکن در عصر صفوی مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی اعلام می‌گردد. تشکیل دولت نیرومند شیعی صفوی، پایگاه و پناهگاه مستحکمی بود که موجبات مهاجرت علمای شیعه خارج از قلمرو این دولت را فراهم می‌ساخت. ورود علمای مذهب تشیع به ایران و تجمع آنها در مرکز قدرت صفوی (شهر اصفهان) و برخورد آنها با روحانیت داخل مملکت، مسایل جدیدی در قلمرو اندیشه‌های سیاسی و مذهبی پدیدار می‌ساخت (شیخ‌نوری، ۱۳۸۹، صص ۹) و زمینه‌های رشد حیات عقلی شیعی را فراهم نمود. معماران شیعه مذهب نیز با تکیه بر حکمت متأثر از حیات عقلی شیعه، مبانی مذهبی تشیع را دریافت کردند و الهامات و اعتقادات الهی را جهت ایجاد هویت ویژه برای مکان و سازمان‌دهی شهر و فضاهای شهری به‌کار برده و از ایده باغشهر و عنصر باغ، در جهت دستیابی به این مهم استفاده کرده‌اند.



نمودار ۱: اصول معنایی شکل‌گیری باغشهر صفوی، مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

در عصر صفویه به واسطه امنیت و رونق به وجود آمده، زمینه مناسبی برای شکوفایی حیات عقلی شیعی فراهم آمد. چنانکه حاصل آن را می توان در شکل گیری اصفهان صفوی به صورت باغشهر، تمثیلی از بهشت روی زمین جست. ایده باغشهر هاوارد نیز ریشه در اتوپیای مطرح در آن دوران دارد که در آن مدینه فاضله، ترکیبی از شهر و روستا بود که از لحاظ رفع احتیاجات مادی مردم، تمامی امکانات لازم در آن سنجیده شده بود. نتیجه آنکه، اگرچه هر دو (دولت صفوی و هاوارد) برای رسیدن به آرمانشهر تلاش نموده اند اما نوع تفکرات شکل دهنده به دو باغشهر صفوی و هاوارد کاملا با یکدیگر متفاوت هستند. صفویان با تأسی از جهان بینی شیعی و اعتقاد به جایگاه انسان به عنوان خلیفه الله، علاوه بر برآورده نمودن نیازهای مادی و انسانی، به دنبال ایجاد تمثیلی از بهشت آسمانی بر روی زمین بوده اند؛ حال آنکه باغشهر هاوارد، با نگاهی کاملا متریالیستی شکل می گیرد و اهدافی چون ارتقا شاخص سلامتی و راحتی برای تمام گروه های درآمدی در آن مورد توجه واقع می شود. در واقع ایده باغشهر صفوی، با زیربنای ایجاد بهشت زمینی و بر اساس فرهنگ و جهان بینی حاکم در عهد صفویه، با تأسی از آموزه های مذهبی شیعی شکل گرفته است.

به لحاظ کالبدی تفاوت عمده دو باغشهر صفوی و هاوارد در نحوه استفاده از نظم گیاه رخ می نماید. نظم گیاه استفاده شده در باغشهر صفوی علاوه بر هویت دهنده بصری به بافت جدید و افزایش نفوذپذیری و سرزندگی و همچنین کنترل حریم های خرد و کلان، به عنوان نشانه ای برای هویت بهشتی شهر به کار رفته است. حال آنکه در باغشهر هاوارد اگرچه به فضای سبز در جهت افزایش رفاه و سلامت مردم توجه شده است، اما نقش غالب آن به عنوان عامل جداکننده و کنترل کننده مطرح شده است.

وعده هاوارد برای ایجاد مکان زیست بهتر برای مردم به لحاظ اجتماعی دارای ضعف های فراوان بوده است. گسترش شهرها بر اساس مدل باغشهر هاوارد علاوه بر هدر رفتن زمین، موجب تضعیف روابط اجتماعی بین ساکنان این شهرها شده و محلاتی یکنواخت و بی روحی را پدید می آورد. علاوه بر این طرح باغشهر هاوارد نسبت به ارتباط مراکز شهری با یکدیگر و همچنین ارتباط آن در سطح کلان منطقه، بی توجه بوده است. از این نظر در اصفهان عهد صفوی با وجود آنکه رودخانه زاینده رود و محور چهارباغ، مرزهای اجتماعی و جمعیت شناختی حقیقی در میان شهر کشیده اند؛ اما با توجه به وحدت اجتماعی، با حضور مستقیم و همه جانبه دولت، همسانی های اجتماعی و اقتصادی در پهنه شهر و روستا وجود داشته و شهر در درون "منطقه" تعریف شده بوده است.

پی نوشت ها

- Garden City
- باغشهرهای تیموری (سمرقند و هرات) بوسیله ایجاد باغ های حکومتی در حاشیه هسته از کانیک شهر شکل گرفته بودند و دارای طرحی از پیش اندیشیده شده در جهت ارتقا سازمان کالبدی و فضایی شهر نبوده اند. آنچه اهمیت داشته ساماندهی منظر بیرونی شهرهای ویران شده به دست مغول جهت ایجاد پایتخت حکومتی بوده است.
- Cottage industry
- Pietro Della Valle
- And poverty Progress ۱۸۸۱.
- Henry George
- Looking Backwards ۱۸۸۸.
- Edward Bellamy
- Tomorrow: A Peaceful Path To Real Reform ۱۹۰۲ تجدید چاپ
- Letchworth
- Hampstead
- Raymond Unwin: اگرچه هاوارد به درستی ایده های خود ایمان داشت اما هیچگونه ادعایی به عنوان برنامه ریز شهری نداشت. بنابراین از آنوین و معمار دیگری با نام بری پارکر، کمک جست.
- Welwyn
- Gartenstadt-Gesellschaft
- The Societat Civica la Ciutat Jardi
- Kulosaari and Munkkiniemi
- L.Mumford
- Le Curbusie
- L.Radwin

20. Z.Gideon
21. Purdom
22. J.Jacobs

فهرست منابع

۱. ترک زبان، شقایق و اصغر محمد مرادی؛ ۱۳۹۰؛ ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی؛ نشریه شهر و معماری بومی؛ شماره ۱ زمستان ۱۳۹۰.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۸)، جایگاه فلسفه اسلامی در برابر فلسفه مغرب زمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، ارزشهای باغ ایرانی (صفوی-اصفهان)، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
۴. اهری، زهرا، (۱۳۸۵)، مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری، تهران: فرهنگستان هنر.
۵. اهری، زهرا، (۱۳۸۷)، ژرف ساختهای طراحی شهری: مبانی شهرسازی مکتب اصفهان از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۶. اخوتی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، سلسله مراتب در مکتب اصفهان، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۷. تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۳۶)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، اصفهان: کتابخانه سنایی و کتابفروشی تایید اصفهان.
۸. اوستروفسکی، واتسلاف، (۱۳۷۸)، شهرسازی معاصر - از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن، ترجمه: لادن اعتضادی، نشر دانشگاهی، تهران.
۹. بنه ولو، لئوناردو، (۱۳۸۶)، چاپ ششم، تاریخ معماری مدرن، ترجمه سیروس باور، نشر دانشگاهی، تهران.
۱۰. حبیبی، محسن، (۱۳۷۷)، مکتب اصفهان در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا، دوره سوم، دانشگاه تهران.
۱۱. حبیبی، محسن، (۱۳۸۷)، گذر از سرزمین خیال به سرزمین خرد، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۱۲. حمزه نژاد، مهدی، (۱۳۸۷)، تاثیر حکمت معنوی قرن یازدهم اصفهان در معماری و شهرسازی طبیعت گرای آن، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۱۳. حقیقت بین، مهدی، انصاری، مجتبی، پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۶)، طراحی پایدار در فضای سبز شهری اصفهان در دوران صفویه و تخریب آن در دوران معاصر، دو فصلنامه پژوهشی-تحلیلی هنر، مدرس هنر، دوره دوم، بهار و تابستان، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. حقیقت بین، مهدی، (۱۳۸۹)، بررسی اصول طراحی و زیبایی شناختی باغ ایرانی در محورهای شاخص شهری (صفوی) و تأثیر آن بر خارج از ایران (شبه قاره هند و اروپا)، رساله دکتری، رشته پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
۱۵. دوست ثانی، مرتضی، (۱۳۸۷)، بسترهای فلسفی و عرفانی و فرهنگی و آرمانی شکل گیری شهر اصفهان، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۱۶. شاردن، ژان، (۱۳۶۲)، سفرنامه شاردن، بخش اصفهان، ترجمه حسین عریضی، نگاه، تهران.
۱۷. شاهچراغی، آزاده، (۱۳۸۷)، باغ شهر اصفهان، پیشتی به وسعت شهر، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۱۸. شوای، فرانسوا، (۱۳۸۶)، شهرسازی تخیلات و واقعیات، ترجمه سید محسن حبیبی، نشر دانشگاهی، تهران.
۱۹. شیخ نوری، امیر، (۱۳۸۹)، چگونگی رسمیت یافتن تشیع توسط صفویان و پیامدهای آن، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۳۶-۷.
۲۰. والچر، هایدی، (۱۳۸۷)، از بهشت تا پایتخت سیاسی: باغ اصفهان، از مجموعه مقالات گردهمایی مکتب اصفهان ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
۲۱. شوپه، ماریا، (۱۳۸۵)، اقامتگاههای سلطنتی در هرات: مسائل تداوم کاربردها بین دورانهای تیموری و صفوی، مطالعات صفوی، گزیده مقالات همایش پاریس، زیر نظر ژان کالمار، ترجمه: داوود طباطبایی.
۲۲. مختاری اصفهانی، رضا، اسماعیلی، علیرضا، (۱۳۸۵)، هنر اصفهان از نگاه سیاحان - از صفویه تا پایان قاجار، فرهنگستان هنر.
۲۳. نصر، سیدحسین، (۱۳۶۶)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، انتشارات سروش، تهران.
۲۴. نصر، سیدحسین، (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.
۲۵. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۱)، مبانی فرهنگ معماری پایدار ایرانی، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۰.
۲۶. ویلر، اس ام، بتیلی، تی، (۱۳۸۴)، نوشتارهایی درباره توسعه شهری پایدار، ترجمه: کیانوش ذاکر حقیقی.
27. Panerai, Philippe , Jean Castex & Jean-Charles Depaule, (2004), Urban Forms ,The Death And Life Of The Urban Block, Translated By Olga Vitale Samuels, Architectural Press.
28. C.Konijnendijk, Cecil, Nilsson, Kjell, B.Randrup, Thomas, Schipperijn, Jasper, 2005, Urban Forests and Trees. Springer.
29. Hall, Peter, 2002, Cities of Tomorrow, third edition, Blackwell publishing.
30. Woolley, Helen, 2005, Urban Open Spaces, the Taylor & Francis e-Library.